

سبک حمایت



یک روز پای درددل توان یابانی که جایی برای کار و آرامش یافته‌اند

فرصت‌های شغلی را از توان یابان بگیریم

■ نازنین رقیه هاشمی

اگر سال‌ها تو و دوستان‌ت را نادیده بگیرند خود به خود عادت می‌کنی دیگر خودت هم خودت را نبینی. کار به جایی می‌رسد که کلاً زندگی کردن را فراموش می‌کنی. حتی فراموش می‌کنی که نفس کشیدن و زیست داشتن، اقتضانات و ملزوماتی دارد. خودمانیم، می‌شود در این جامعه زندگی کنی و نسبت به نیازهای مالی و اجتماعی‌ات بی تفاوت باشی؟ می‌شود وقتی کاری برای انجام دادن و درآمدی برای گذران زندگی نداشته باشی ادعا کنی که داری زندگی می‌کنی؟ اصلاً آمدیم و کار مناسبی هم وجود داشت، آیا در کلانشهری چون تهران که به‌قول خودمان پایتخت است و تمام امکانات رفاهی را دارد می‌توانیم ادعا کنیم که بدون دردسر تردد می‌کنیم؟ شهری که این روزها

هر جا برویم باز سدی برای ادامه کار وجود دارد

«هیچ کس دست‌مان را نگرفت ببرد جایی که با خیال راحت بتوانیم آموزش ببینیم. هیچ‌وقت هیچ جا شرایط برای انجام دادن کار می‌تفرجیات ما! آماده نبود. حتی وقتی خواستیم علاقه‌مندی‌هایمان را در نظر بگیریم و با پیگیری پیش رفتیم به جایی رسیدیم که دیدیم ما خودمان باید پیشقدم اصلاح شرایط برای خودمان و بقیه دوستان‌مان باشیم اما همه این تلاش‌ها نه تنها خسته‌مان نکرد بلکه امید به ساختن اتفاقاتی را در وجودمان شکل داد که ایمان داشتیم ثمره خوبی خواهد داد.» این‌ها حرف‌های آرامین حسینی توان یاب مشغول به کار در مؤسسه نیکوکاری رد الغدیر است. آقای حسینی با همسرش مر ضیه علیزاده این روزها از فعالان مشغول در مرکز تماس مؤسسه‌ای هستند که همه نبودن‌ها و نایدها را به بودن‌ها و باید‌ها تبدیل کرده‌اند. آقای حسینی می‌گوید: «حقیقتاً جایگاه و اهمیت حوزه افراد دارای معلولیت را حتی اگر ما نگوئیم بقیه می‌توانند به راحتی ببینند. مشکلات آن قدر علنی و زیاد است که نیاز به فرایند نیست. ما و رفقایمان کم نیستیم اما همین تعداد را هم تا امروز به راحتی نادیده گرفته‌اند. مشکل از مردم نیست مشکل از شهر نیست. این مردم و شهر متوالیاتی دارند که آنها باید ما را بین قوانینی که وضع می‌کنند و دستورهایی که اجرایی می‌کنند ببینند که متأسفانه تا امروز با کالاندیندن یا آن قدر کم بوده که قابل حذف است.» مر ضیه علیزاده در تکمیل حرف‌های همسرش تأکید می‌کند: «روزانه تعداد زیادی پروژه‌های اشتغال‌زایی در شهر تهران و حتی سطح کشور اجرایی می‌شود اما یک‌نفر نیست سؤال کنند و مطالبه‌گر باشند که آقایان مسئول از میان این همه پروژه افتتاح شده، از میان این همه بودجه اختصاص داده شده برای اشتغال چند درصدش ویژه افراد دارای معلولیت است؟ با این حجم از نادیده گرفتن خیلی هنر می‌کنیم که خودمان دست به زانو‌هایمان زده‌ایم، با وجود مشکلات هر روز راهی مرکز تماس مؤسسه نیکوکاری رد الغدیر می‌شویم برای اینکه ثابت کنیم جسم محدودیت ندارد این ذهن هر یکی مسئولان است که دارای معلولیت است و ما نمی‌بیند!»

وی می‌افزاید: «ما هر جا برویم با مشکل روبه‌رو هستیم. از یک پارک محلی گرفته تا انجام خدمات بانکی. جامعه انگار نمی‌خواهد ما را ببیند و شرایط زندگی و کار ما را درک کند. اگر یک انسان سالم جسمی هر روز با این شرایط اقتصادی باید برای پیدا کردن کار تلاش کند ما توان یابان جسمی حرکتی حتی برای زندگی و تردد کردن در سطح شهر باید جنگیم و این انصاف نیست. در قرن جدید کشورهایی پیشرفته محسوب می‌شوند که کرامت انسانی از هر قشری از افراد جامعه را حفظ کنند و در نظر بگیرند.»

خودمان یک‌تنه تمام کم کاری‌ها را به دوش می‌کشیم

«حقیقت این است که اگر همه انسان‌ها در اختصاص کوچک‌ترین رویدادهای این کشور سهیم هستند. ما هم هستیم. همه آنهايي که تلاش می‌کنند ما دیده نشویم، در جامعه حضور نداشته باشیم، این روزها ناچارند

موقعیت افراد دارای معلولیت را ببینند، چون خودمان دست یکدیگر را گرفته‌ایم و مسیر اشتغالی را ریل گذاری می‌کنیم که می‌دانیم اگرچه سخت می‌گذرد اما زمینه‌ساز اشتغال بیشتر و دیده شدن بقیه توان یابان است.»

این‌ها واگویه‌های معلولانی است که تلاش و حرکت را به سکون و ایستایی ترجیح داده‌اند. سیمیه جباری کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی خوانده است. در همین دوران کرونا آموزش مجازی زبان را به خوبی مدیریت کرده و این روزها همه زمانش را به فعالیت در بخش مرکز تماس مؤسسه نیکوکاری رد الغدیر اختصاص می‌دهد. اگر چه زبان و آموزش را دوست دارد اما زمان خریف او نمی‌شود. خودش معتقد است آن چیزی که باعث می‌شود کمتر فعالیت مجازی داشته باشد خستگی یا ناتوانی او نیست، بلکه کم بودن زمان است که اجازه فعالیت بیشتر نمی‌دهد.

او در تأکید ترویج و حمایت از کارآفرینی اجتماعی می‌گوید: «سל افراد دارای معلولیت پیش از ما بسیار سختی کشیدند تا خودشان کاری برای دوستان‌شان انجام دهند. حالا ما ادامه‌دهنده همان مسیر هستیم. باید باشیم تا دیده شویم. هر چه به‌خاطر نقص‌ها و نبودن‌ها در خانه بمانیم رفته رفته فراموش می‌شویم. وقتی توانایی اوختن داریم؛ وقتی همه دوستان مثل

خودمان تحصیلات دانشگاهی دارند؛ وقتی از عهده هر مسئولیت شغلی به راحتی برمی آیم چرا در جامعه نباشیم؟ ما با شناختی که از شهر و کشور خودمان داشتیم منتظر فروش قرمز نبودیم اما حالا که هستند انسان‌های بشریفی که محکم پشت ما بایستند و حمایت‌مان کنند و قتش رسیده که بقیه هم دست از کوناهی‌های مسئولیتی خود بردارند و حمایت‌مان کنند. حالا که خودمان در مؤسسه رد الغدیر آموزش دیده‌ایم و مشغول کار شده‌ایم لازم است بایبند و از جمع فعال ما حمایت کنند.»

جباری معتقد است در روزگاری که انسان‌ها با توانمندی‌ها و قابلیت‌های‌شان محک می‌خورند و شرایط کاری سراغ‌شان می‌آید متأسفانه نگاه‌ها در قشر توان یاب جامعه حذف شده است. وی ادامه می‌دهد: درست وقتی که ما به‌خاطر شرایط جسمانی‌مان باید همه ساعت‌های روز را روی ویلچر بنشینیم پس ایده‌آل‌ترین شرایط شغلی برای‌مان مواردی است که ساکن باشیم، اما متأسفانه شرکت‌ها سراغ انسان‌های سالم می‌روند و مجبورشان می‌کنند که ۸ ساعت از روز را روی صندلی بنشینند و تماس جواب بدهند. وقتی می‌شود بر اساس توانمندی‌های هر فرد شغل مناسبی به او داد چرا مشاغلی که مناسب ماست با به‌کارگیری دیگران اشغال می‌شود؟



محیطی امن برای مهارت آموزی و اشتغال معلولان

چند نفر از مادر روز تجربه دیدن یک فرد توان یاب در سطح جامعه را داریم؛ چند نفر توان یاب ساکن در محله‌مان می‌بینیم؟ تعداد این عزیزان اصلاً در کشور ما کم نیست، اما متأسفانه شرایط جامعه طوری شکل گرفته که تردد برای‌شان سخت است و به‌جای بیرون رفتن و دیدن و دست و پنجه نرم کردن با هزار و یک مشکل سطح شهر ترجیح می‌دهند در منزل بمانند. در حقیقت بزرگی و سختی مسئله باعث شده بسیاری از توان یابان کلاً صورت مسئله حضور اجتماعی را از زندگی‌شان پاک کنند. قشری که می‌توانند به عنوان بخش مهمی از نیروی کار جامعه فعال باشند و بر اساس

درد

چند نفر از مادر روز تجربه دیدن یک فرد توان یاب در سطح جامعه را داریم؛ چند نفر توان یاب ساکن در محله‌مان می‌بینیم؟ تعداد این عزیزان اصلاًدر کشور ما کم نیست، اما متأسفانه شرایط جامعه طوری شکل گرفته که تردد برای‌شان سخت است و به‌جای بیرون رفتن و دیدن و دست و پنجه نرم کردن با هزار و یک مشکل سطح شهر تر جیح می‌دهند در منزل بمانند. در حقیقت بزرگی و سختی مسئله باعث شده بسیاری از توان یابان کلاًصورت مسئله حضور اجتماعی را از زندگی‌شان پاک کنند

برای تردد، حتی مطلوب انسان‌های سالم هم نیست! صادقانه که به موضوع نگاه کنیم می‌بینیم این انسان‌ها نیستند که دچار معلولیتی می‌شوند این شهر است که دچار معلولیت و محدودیت است. باور کنیم که معلول اصلی تهران است. متولی اصلی این معلولیت مسئولانی هستند که در پیش پا افتاده‌ترین مورد نتوانسته‌اند نیازهای اولیه تردد یک قشر خاص توان یاب را مهیا کنند. قشری که خودش از میان تمام محدودیت‌ها و معلولیت‌های علنی قد کشیده، ایستاده تا به همه ثابت کند حق زندگی کردن دارد و آماده است برای این حق هر زینه بدهد. قشری که مصرانه این روزها حضور اجتماعی و اشتغال خود را تکرار می‌کند تا مهر تأییدی باشد بر این جمله که «من توان و تخصص آموزش دیدن و کار کردن را دارم اما مسئولان حتی قدرت اشتغال‌زایی برای من را ندارند.»

توانمندی‌های خاص خودشان مثرتر واقع شوند متأسفانه در منزل می‌مانند. نداشتن شغل، نبود زیرساخت‌های مناسب برای تردد، تنها بخشی از دلایل عدم حضور اجتماعی توان یابان در کشور ما است و حداقل آسیب برای‌شان مشکلات روحی و جسمی و شرایط بد اقتصادی است.

علیرضا آتشک مدیر عامل مؤسسه نیکوکاری رد الغدیر معتقد است این مؤسسه به سهم خود تلاش کرده بهشتی هرچند کوچک برای توان یابان کشور بسازد آن‌هم در شرایطی که این افراد هیچ آمیدی به بهبود شرایط اقتصادی و کار نداشته‌اند. او می‌گوید: ما سال‌ها در مؤسسه رد الغدیر هدف‌مان را بر آموزش و توانبخشی افراد توان یاب قرار داده بودیم اما چشم‌بار کردیم دیدیم تعداد زیادی از توان یابان به‌رغم آموزش‌های تخصصی که دیده‌اند به خانه بازمی‌گردند و متأسفانه اعتماد به اشتغال این قشر در میان فعالان اقتصادی وجود ندارد. این بار با هدف اشتغال این قشر وارد میدان شدیم. حالا مؤسسه رد الغدیر می‌تواند اعلام کند پایه‌گذار اولین مرکز تماس و پیام ویژه افراد دارای معلولیت در کشور است. ما در حال حاضر حدود ۲۰۰ توان یاب را در مرکز تماس خود ساماندهی و مشغول به کار کرده‌ایم و به پشوتانه تجربه کار موفق با شرکت‌های مهم امروز به عنوان یک مرکز قابل اعتماد در زمینه کار سنتر ماندگار شده‌ایم. جالب اینجاست که توان یابان مرکز تماس برخلاف تصور عموم مردم نه تنها در زمینه رایانه آموزش دیده‌اند بلکه با هدف بهبود عملکرد، نیروهای این بخش تحت آموزش مهارت فرد قیان و روانشناسی ارتباط و مخاطب نیز قرار گرفته‌اند.

وی می‌افزاید: در کنار توان یابان بخش کامپیوتر ما زمینه‌ساز اشتغال تعداد زیادی از توان یابان در زمینه صنایع دستی شدیم با این تعهد که اگر آموزش‌های حرفه‌ای صنایع دستی را در هر یک از مراکز رد الغدیر در سطح کشور بیاమوزند می‌توانند روی خرید ما حساب کنند. ما امروز می‌توانیم اعلام کنیم بر ند ردجامه حاصل اشتغال توان یابانی است که در هنر خیاطی خیره هستند و با راندمان کاری و کیفی سطح بالا جزو افتخارات مؤسسه به شمار می‌روند.

آتشک با اشاره به شرایط همه‌گیری کرونا می‌گوید: در روزهای سخت شیوع ویروس کرونا که تقریباً بحران اقتصادی تمام صنعتگران و فعالان اقتصادی را متضرر کرد توان یابان مؤسسه ما چون به اتکای مهارت‌های خودشان مشغول کار هستند خوشبختانه متضرر نشدند و حتی آمادگی داشتیم که با پروژه‌های بیشتر زمینه اشتغال افراد دارای معلولیت بیشتری را فراهم سازیم. وی تأکید می‌کند: اگرچه تمرکز همه مراکز استانی رد الغدیر در تهران است اما در حقیقت تمام تلاش همه رد الغدیری‌ها این است که متناسب با شرایط، تخصص و مهارت هر فرد توان یاب در نزدیک‌ترین مرکز مؤسسه مشغول به کار شود. صادقانه اینکه ما به همه نشدن‌ها و نتوانستن‌های عرصه معلولین یک «می‌شود و می‌توانیم» محکم گفته‌ایم و حالا مسئولان یک همکاری بزرگ در زمینه اشتغال به‌ما بدهکار هستند. خوشبین هستیم به اینکه اگر تا امروز اتفاقی را رقم زدیم از این نقطه به بعد حمایت و پروژه‌های کاری انتظار ما را می‌کشد که هم سبب دلگرمی نیروهای قدیمی و هم زمینه‌ساز حضور و اشتغال توان یابان جدید است.

نگاه



حل مشکلات

به شیوه کار آفرینی اجتماعی

■ علیرضا آتشک*



ریشه کلمه **Social Entrepreneurship** که به کار آفرینی اجتماعی ترجمه شده است به حدود ۱۰ تا ۱۸ سال قبل بازمی‌گردد. اگر چه بازی می‌گردد، اگر چه در تاریخ نمونه‌های کار آفرینی اجتماعی

پیش از این بازه زمانی ۲۰ سال قبل هم دیده می‌شود اما کشف ماهیت این کلمه و رویکردهای تخصصی آن به ۱۸ سال قبل بازمی‌گردد. ■ ■ ■

کار آفرینی اجتماعی در نگاه اولیه از دو کلمه کار آفرین و اجتماع تشکیل شده است. در همین تحلیل ابتدایی می‌توان نوشت که کار آفرین بودن شخص و تسلسط به جامعه از ویژگی‌های منحصر به فرد هر کار آفرین اجتماعی است. در گردان ناقص کلمه Entrepreneurship به زبان فارسی، کار آفرین ترجمه شده که معنای بهتر این کلمه در عنوان «ارزش آفرین» نهفته است. اما بر اساس ترجمه مصطلح در ایران کسی که فارغ از تحصیلات و تخصص بتواند در هر سطح اقتصاد و هر نوع جامعه‌ای بستر اشتغال بنیات ایجاد کند، کار آفرین است. کسی که بتواند از حداقل‌ها، سرمایه‌های ماندگار و طولانی مدت شغلی با بازدهی منطقی بسازد کار آفرین است. قطعاً اگر کار آفرین را به عنوان عنصر اصلی یک سیکل اقتصاد در نظر بگیریم آنچه که می‌تواند او را نسبت به سایر ایده‌بر داران متفاوت کند اشتیاقی برای رویارویی با چالش‌های مختلف اقتصادی و ادامه حرکت است. رابرت درازین از بزرگان علم مدیریت و اقتصاد معتقد است «بداع متفاوت‌ها» از ویژگی‌های کار آفرینان است. وی در توصیف ویژگی‌های بارز کار آفرینان می‌گوید: «کار آفرینان چیزی جدید خلق می‌کنند چیزی متفاوت. آنها ارزش‌ها را تغییر می‌دهند یا تبدیل می‌کنند.» یوزف شومپتر اقتصاددان اتریشی در تکمیل ایده درازین، کار آفرین را کسی می‌داند که می‌خواهد و می‌تواند یک ایده جدید یا یک ابتکار را به یک نوآوری موفق تبدیل کند و با استفاده از نوآوری، منحنی احتمال تولید را به سطح بالاتری انتقال دهد. قطعاً منظور شومپتر از عنوان نوآوری موفق در این توصیف نوآوری منتهی به اشتغال و درآمدزایی است.

شاید مختصر و کامل در توصیف یک کار آفرین بتوان گفت او قادر است تا پتانسیل تجاری یک ابتکار را تشخیص دهد و سرمایه، استعداد و سایر منابعی که آن ابتکار را به یک نوآوری تجاری مناسب بدل می‌کند، سازماندهی نماید. کار آفرین با ارزش افزوده‌ساز اجتماعی، در معنای کلان و تخصصی کسی است که با تنوع، تجربه، آموزش و خلاقیت خود می‌تواند مدل کسب و کاری ایجاد کند که در نهایت به ارزش آفرینی منتهی شود. حالا در نظر بگیرید اگر شخصی با این ویژگی نسبت به یک مشکل، آسیب و حتی رویداد متفاوت اجتماعی نگاه ویژه‌ای داشته باشد، کار آفرین با ارزش افزوده‌ساز اجتماعی نامیده می‌شود. عرصه‌های اجتماعی کار آفرینی معمولاً شامل مشکلاتی می‌شود که گروه زیادی از مردم را درگیر کرده باشد مثل آلودگی هوا یا مرتبط با مسائل زیست‌محیطی باشد. در نهایت با پرداختن به این مشکلات عرصه اشتغالی ایجاد می‌شود که همزمان با درآمدزایی زندگی مردم را بهبود

درد

کار آفرین یا ارزش افزوده‌ساز اجتماعی، در معنای کلان و تخصصی کسی است که با تنوع، تجربه، آموزش و خلاقیت خود می‌تواند مدل کسب و کاری ایجاد کند که در نهایت به ارزش آفرینی منتهی شود. حالا در نظر بگیرید اگر شخصی با این ویژگی نسبت به یک مشکل، آسیب و حتی رویداد متفاوت اجتماعی نگاه ویژه‌ای داشته باشد، کار آفرین یا ارزش افزوده‌ساز اجتماعی نامیده می‌شود

می‌بخشد. در نگاه متفاوت تر بسیاری از کار آفرینان سود قابل توجهی از مشاغلی که ایجاد کرده‌اند را به خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد اختصاص می‌دهند. فراموش نکنیم کار آفرینان اجتماعی معمولاً افرادی هستند که انگیزه‌ها و دغدغه‌های اجتماعی و کمک به جامعه برای آنها بسیار مهم‌تر از کسب سود و درآمد بالاست. آنها از پشتوانه و مشارکت‌های اجتماعی افراد و حتی دولت‌ها می‌توانند بر خوردار باشند. من معتقدم کار آفرین اجتماعی کسی است که به خوبی فرصت‌های اجتماعی را رصد می‌کند. دقیقاً به همین دلیل است که فرصت‌ورزی هم معادل

ترجمه شده کلمه entrepreneurship است. بر اساس این تعریف کار آفرین اجتماعی کسی است که از مشکلات جامعه با توجه به توانایی مخاطبان فرصت‌ها را می‌شناسد و محصولات جدید خلق می‌کند. او با این رفتار نه تنها مسئولیت حل مشکل را از روی دوش نظام و دولت هر کشور برمی‌دارد بلکه به چرخش اقتصادی جامعه کمک می‌کند، از جامعه انسانی کم‌بهره و نیازمند قشر فعال می‌سازد و در ادامه این رفتار فعالیت‌های بشردوستانه را گسترش می‌دهد و باعث افزایش سرمایه‌های اجتماعی و اعتماد می‌شود. نکته مهم بعدی ویژگی برقراری تعادل چند جانبه در کار آفرین با فرصت ورز اجتماعی است. کسی که بتواند با کم یا زیاد شدن یک مشکل یا آسیب، قوی یا ضعیف شدن چرخه اقتصادی کشور و کم و زیاد شدن نیازهای جامعه خاص خود، اشتغال را حفظ و گردش درآمد در قدرت انعطاف و ریسک‌پذیری بر خوردار است که همین ویژگی سبب پایداری و حفظ پویایی فعالیت‌های او حتی در اشفته‌بازارهای اقتصادی خواهد شد. کار آفرین اجتماعی همیشه نسبت به کار آفرینی تجاری چندین قدم تخصصی جلوتر است چون او دقیقاً مثل هر کار آفرین تجاری به چشم‌انداز و رسالت سازمانی، مثل سانسایی استراتژی، تخصص منابع، مدیریت سرمایه و مدیریت پروژه برای دستیابی به اهداف مسلط است و علاوه بر همه این‌ها دانش شناسایی، رفع و تسلسط بر مشکلات اجتماعی را هم در اختیار دارد.

در نهایت می‌توان انتظار داشت سرمایه یک کار آفرین اجتماعی شغل یا شرکتی را ایجاد کند که نوآور است و بسا ایده‌های نوآورانه مشکلات اجتماعی و حتی زیست‌محیطی را حل می‌کند چون مدیر به این نقطه رسیده است که شیوه‌های سنتی تجارت و رفع مشکل پاسخگو نبوده و وقتش رسیده که با شیوه‌ها نوآورانه کسب و کار اجتماعی رقم بزند. ضمن اینکه این نوع مشاغل در وهله اول بر روی وجوه جمع‌آوری شده از مردم شکل گرفته‌اند. ریسک‌پذیری ویژگی دوم شرکت‌های این چنینی است چون کلا یک کار آفرین اجتماعی در شرایط غیرعادی ریسک می‌کند و وارد بازار کار می‌شود پس ریسک‌پذیری ویژگی شاخص این مشاغل است و به همین دلیل در مورد منافع مالی کمتر نگرانی دارند ولی در مقابل به مزایای اجتماعی و زیست‌محیطی بیشتر توجه می‌کنند چون عمده مسئولیت‌شان در این عرصه تعریف شده است. کار سازمان کار آفرینی اجتماعی دارای انگیزه‌های خودمحور است. این سازمان‌ها معمولاً چنین می‌توانند مانند سایر سازمان‌ها با اتخاذ رویه‌های سنتی تجارت و عدم مزاحمت در مورد مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی فعالیت کنند. اما این سازمان‌ها تصمیم می‌گیرند که مسیری متفاوت را دنبال کنند و از شیوه‌ها با موضوعات اجتماعی به صورت استراتژیک کار می‌کنند. ایجاد کنند. شرکت‌های کار آفرین اجتماعی از نظر فرهنگی هوشیار بوده و از مسائل اجتماعی آگاه هستند. فرزند نسل اول عاری از ایدز را ایجاد کنند. آنها همچنین قصد دارند نسل اول عاری از ایدز را ایجاد کنند. آنها نه تنها تلاش می‌کنند بلکه داده‌ها را در قالب یک گزارش مفصل در وب‌سایت رسمی خود به اشتراک می‌گذارند. شرکت‌های کار آفرینی اجتماعی برای مقابله با موضوعات اجتماعی به صورت استراتژیک کار می‌کنند. این مشکل تهیه می‌کنند و مانند سایر کارآفرینان نیز برای رسیدن به هدف خود سخت تلاش می‌کنند.

■تخصص در عرصه کار آفرینی اجتماعی معلولان